

حفظ وحدت، مهم‌تر از برخورد با انحرافات

احمد عدالتیان | در ایام ولادت پیامبر اکرم^(ص) و هفته وحدت، آیات ۹۲ تا ۹۴ سوره طه را با هم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: [موسی درحالی‌که موی سر و صورت برادر را گرفته بود به او] گفت: ای هارون، زمانی که دیدی آنان گمراه شدند، چه چیز تو را بازداشت از اینکه مرا پیروی کنی؟ [چرا برای نجات مردم فوراً به سراغ من نیامدی؟] آیا دستور مرا نافرمانی کردی؟ [هارون در جواب] گفت: [ای برادر و] ای فرزند مادرم! [موی] ریش و سر مرا بگیر، همانا من ترسیدم [با برخورد تند من، آن‌ها متفرق شوند و] تو بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و کلام مراقبت نکردی.»

این آیه، داستان زمانی را یادآوری می‌کند که حضرت موسی^(ع) از کوه طور برگشت و انحراف و گوساله پرستی قوم خود را دید. موسی از فرط ناراحتی، الواح تورات را بر زمین افکند و برادرش را که جانشین او بود، مؤاخذه کرد. هارون که خودش هم پیامبر بود، در پاسخ برادرش گفت: ترسیدم اگر برای جلوگیری از انحرافشان شدت عمل به خرج دهم، مردم متفرق شوند و تو بگویی چرا مردم فرقه فرقه شده‌اند.

نکته مهمی که هارون به آن اشاره می‌کند، خطر تفرقه یک امت و به‌هم خوردن وحدت است که رفع این خطر بر سکوت دربرابر انحراف مردم ترجیح داده می‌شود، بنابراین در تصمیم‌گیری‌ها بین اهم و مهم باید به مسئله مهم‌تر توجه کرد و در برخورد‌های انقلابی باید به عوارض کار اندیشید. سکوت دربرابر انحرافات جامعه، خطر مهمی است ولی در مقایسه با اینکه یکپارچگی جامعه مخصوصاً دربرابر دشمنان به هم بخورد، اهمیت کمتری دارد.

مشاوره

قدم‌های کوچک، ماندگاری بزرگ

علیرضا وکیل‌ا خیلی وقت‌ها مشکل ما این نیست که نمی‌دانیم چه کاری باید انجام دهیم؛ مشکل این است که می‌خواهیم یک‌شبه آدم دیگری شویم. تصمیم می‌گیریم از فردا هرروز یک ساعت ورزش کنیم. روزی چندصفحه کتاب بخوانیم، عبادتمان را کامل کنیم، با فرزندان صبور باشیم و همه عادت‌های بد را کنار بگذاریم. چندروز اول با هیجان جلو می‌رویم و بعد، خستگی از راه می‌رسد و همه چیز نیمه‌کاره می‌ماند.

گاهی ما آن قدر برای تغییر عجله داریم که خود تغییر را خسته می‌کنیم. در فرهنگ دینی، استمرار ارزش ویژه‌ای دارد. پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ»، محبوب‌ترین اعمال نزد خدا، کاری است که مداومت داشته باشد، هرچند اندک باشد. این روایت یک پیام مهم برای زندگی امروز ما دارد، قرار نیست هرروز فوق‌العاده باشیم؛ قرار است استمرار داشته باشیم. ممکن است روزی ده صفحه قرآن بخوانید و بعد از یک هفته رها کنید؛ اما روزی دو صفحه بخوانید و ماه‌ها ادامه دهید. دومی شاید در ظاهر کوچک‌تر باشد، اما چیزی در شما می‌سازد که اولی نمی‌سازد؛ عادت ادامه دادن. قرآن کریم نیز درباره انفاق می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ أَمْوَالَهُمْ بِالْإِثْلِ وَالْثَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً»، یعنی ارزش عمل فقط در بزرگی آن نیست، در تداوم و حضور آن در زندگی هم هست. (بقره/۲۷۴)

حال چه کنیم؟

اگر تصمیمی دارید، آن را به کوچک‌ترین شکل قابل انجام تبدیل کنید. می‌خواهید مطالعه کنید؟ یاده دقیقه شروع کنید. می‌خواهید رابطه‌تان با فرزندان بهتر شود؟ روزی پانزده دقیقه فقط برای او وقت بگذارید. می‌خواهید قرآن را وارد زندگی‌تان کنید؟ یک زمان ثابت برای چندآیه تعیین کنید. می‌خواهید ورزش کنید؟ برنامه‌ای انتخاب کنید که در روزهای شلوغ هم شدنی باشد.

یک قانون مهم هم داشته باشید، کار را هیچ وقت دو بار پشت سر هم رها نکنید. اگر کاری یک روز انجام نشد، آن را به شکست تبدیل نکنید، روز بعد برگردید و انجام بدهید. قرار نیست هرروز با انگیزه باشید. روزهایی خواهد آمد که حوصله ندارید، خسته‌اید یا نتیجه‌ای نمی‌بینید. همان روزهاست که استمرار ساخته می‌شود. امام علی^(ع) می‌فرماید: «قَلِيلٌ يَتَدَوَّمُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَقْطَعٌ»، کار اندک اما مداوم بهتر است از کار بزرگ اما تکه‌تکه. پس اگر می‌خواهیم تغییری واقعی در زندگی‌مان بماند، دنبال شروع‌های بزرگ نباشیم؛ قدم‌های کوچک اما ماندگار برداریم.

گاهی یک قدم کوچک که هرروز برداشته می‌شود، ما را بسیار دورتر از جهشی می‌برد که فقط یک روز دوام داشته است.

سیره بزرگان

تواضع و بزرگواری مقدس اردبیلی

سمانه رضوانی | درمیان عالمان و فقیهان بزرگ شیعه، شخصیت‌هایی هستند که علاوه بر علم، به اخلاق و تواضع نیز مشهورند. یکی از این چهره‌ها، احمدبن محمد اردبیلی، معروف به «مقدس اردبیلی» است. او در شهر اردبیل به دنیا آمد و در دوران صفویه زندگی می‌کرد. از قدرت و نفوذ دربار صفویه برای گسترش تشیع و رفع مشکلات شیعیان استفاده می‌کرد؛ ولی هرگز وارد دستگاه حکومتی نشد. زهد و تقوا و کمک‌های او به محرومان زبانزد خاص و عام بود. مقدس اردبیلی به‌دلیل پرهیزکاری، زهد و تحقیق عمیق در فقه، به درجه‌ای از احترام رسید که به او «محقق» و «مقدس» می‌گفتند. حوزه علمیه نجف که در آن زمان رونق چندانی نداشت، با حضور و مدیریت او جان تازه‌ای گرفت و به یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی جهان تشیع تبدیل شد.

شهرت او فقط به علم و فقا‌هت نبود، بلکه اخلاقی نیز زبانزد خاص و عام بود. گفته شده در سفر زیارتی، یکی از زائران که مقدس اردبیلی را نمی‌شناخت، لباس‌های خود را برای شستن به ایشان داد و گفت: «برو این‌ها را بشوی.» ایشان بدون هیچ اعتراضی لباس‌ها را برد و شست و پاکیزه آورد و به آن مرد بازگرداند. در همین هنگام، آن زائر متوجه شد با چه کسی روبه‌رو بوده و به شدت خجالت‌زده شد. اطرافیان نیز او را سزانش کردند که چطور جرئت کرده چنین کاری را به مقدس اردبیلی بسپارد. اما در کمال شگفتی، مقدس اردبیلی به آنان فرمود: «چرا او را ملامت می‌کنید؟ اتفاقی نیفتاده است. حقوق برداران مؤمن بر یکدیگر بیش از این‌هاست.»

مقدس اردبیلی با این رفتار، به ما یادآوری می‌کند که ارزش انسان به مقام و عنوان نیست، بلکه به تواضع، فروتنی و خدمت به دیگران است. او ثابت کرد کرامت انسانی و حقوق برادر دینی، فراتر از هر جایگاه اجتماعی است. وقتی یک فقیه بزرگ، شستن لباس یک زائر ناشناس را نه تنها کوچک نمی‌شمارد، بلکه آن را حق کوچکی بر گردن خود می‌داند، یعنی اینکه بزرگی واقعی در همین فروتنی نهفته است. این درس اخلاقی ماندگار، یادآوری می‌کند که هر چه انسان به خدا نزدیک‌تر باشد، با خلق خدا مهربان‌تر و متواضع‌تر خواهد بود و هیچ خدمتی به برادر مؤمن را کوچک نمی‌داند.

شکر

هشتمین

۵ شهریور ۱۴۰۵
۱۲ رجب‌الاول ۱۴۲۸
۲۸ شهریور ۱۴۴۲

۱۴



مهر

تأملی در لایه‌های معرفتی زیارت آل یاسین

شب و روز چشم از تو بر نمی‌دارم

حانیه سالم | انسان همیشه تشنه چیزی است فراتر از آنچه می‌بیند؛ تشنه رؤیت آن کمالی که در خود می‌جوید؛ اما در جهان مادی نمی‌یابد. ما در جست‌وجوی آن لحظه‌ای هستیم که چشم دلمان، از حصار «من» و «انانیت»، رها شود و به آینه تمام‌نمای کمال، یعنی امام‌زمان^(ع)، خیره بماند. زیارت آل یاسین راهنمایی است که با هر سلام، لایه‌ای از اسرار الهی و آرمان‌های انسانی را بر ایمان می‌گشاید. بیابید با هم در لایه‌های پنهان این سلام‌ها قدم برنیزیم تا ببینیم چگونه در کلام امام‌زمان^(ع)، هم تمام حمد خدا جاری است و هم تمام آرمان‌های بزرگ انسانی.

گزارش

امام، نمایش کامل‌ترین حمد و استغفار

«السَّلَامُ عَلَیْكَ جِبْنَ تَخْفَدُ وَتَسْتَفْتِ؛ سلام بر تو هنگامی که حمد می‌کنی و استغفار می‌نمایی!» آیا کسی که دزگران بهایی را بیابد، می‌تواند جهت دل را به جای دیگر بیندازد؟ آیا گران‌قدرتر از خدا با آن همه صفات جمال و جلال می‌توان داشت؟ حال وصف زیبایی‌های خدا و سیر از اسماء الهی به اسمی دیگر، که همان حمد الهی است، سبب انس قلب با حق است. استغفار، طلب تکمیل فیض است تا این رؤیت به بهترین نحو انجام شود. حقیقت تام حمد و استغفار، امام عصر است؛ هرکس می‌خواهد از آن چنان حمد و استغفاری محروم نشود، راهش توجه و سلام به آن حضرت است.

امام زمان^(ع)، حامل اسماء الهی

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا الْإِمَامُ الْفَاعِلُ؛ سلام بر تو ای امام امانت‌دار و امین!» خداوند امانت‌های خاصی دارد که هرکسی، ظرفیت پذیرش آن را ندارد و تو این امانت‌ها را نزد خود داری. در هر فرازی از این زیارت، قلب ما را جهت می‌دهند که به کجا نظر کند و با چه معارفی به سر برد. در این فراز، نظر ما را به اماناتی می‌اندازند که نزد آن حضرت هست و باید آماده شویم تا از داشتن آن‌ها برخوردار شویم. توجه و دلدادگی به انسان کامل، شرط برخوردارشدن از نور اسماء الهی است که نزد ما به‌صورت بالقوه به امانت گذارده‌اند و در این رابطه امام حامل همه اسراری است که خداوند باید با بندگانش در میان بگذارد.

امام زمان^(ع)، آرمان بلند انسان

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا الْمُفَقِّدُ الْفَاعِلُ؛ سلام بر تو ای افق آرزوشده!» مگر نه این است که هرگاه قومی، باور خود را به آرزویی از دست داد و انسان مطلوب او از زندگی‌اش رخت بربست، از حیثیت خویش تهی می‌شود و با پیوسته زندگی به سر خواهد برد و هر لحظه باید آماده پذیرش مرگ و هلاکت باشد؟ ای امام! تو همان آرزوی دست‌یافتنی هستی که ما را از همه این هلاکت‌ها می‌رهانی. سلام بر تو که هرآنچه ممکن در آرمان هر قومی باشد، در تو جمع است. خسارت‌دیده آن‌هایی هستند که تو را مدنظر ندارند.

منبع:

برگرفته از کتاب زیارت آل یاسین

اصغر طاهرزاده

امام‌زمان^(ع)، معنی شب و روز

«السَّلَامُ عَلَیْكَ فِی اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى؛ سلام بر تو آن هنگام که شب در اوج تاریکی قرار می‌گیرد و هنگامی که روز در اوج روشنایی، خود را می‌نمایاند.» مگر می‌توانم یک لحظه از تو چشم بردارم؛ آن وقت به کجا چشم بگشایم؟ کسی که می‌خواهد از جهنم انانیت (خودبینی) خارج شود، می‌داند که باید در سراسر روزگارش، چشم بر آن حضرت بیندازد و در این توجّه، روز و شب نشناسد. اگر شب می‌خواهد با همه تاریکی بیاید، بیاید؛ اگر روز می‌خواهد با همه روشنایی برود، برود. در تمام این اوقات سلام بر تو ای آرزوی دل! اگر تو بر ما نظر نکنی، بودن و نبودن روز و شب چه معنایی دارد؟

امام زمان^(ع)، غایت تمام سلام‌ها

«السَّلَامُ عَلَیْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَام؛ سلام بر تو با همه آنچه در حقیقت سلام نهفته است!» نمی‌دانم با تو ای همه آرزویم چه بگویم و به بهانه کدام یک از کمالات بر تو سلام کنم؟ پس بگذار در یک کلمه عرض کنم: سلام بر تو با هر آنچه جا دارد که بر تو سلام کنم. سلام بر تو به جهت هر آنچه در شأن سلام هست و همه آن در توست. نه ماهی از آب خسته می‌شود و نه من از سلام‌کردن به تو؛ چون ماهی بی‌آب لاشه مرده‌ای بیش نیست، و انسانیت انسان، بی‌انسان کامل، قالب انسان است و نه خود انسان.

در همیشه روی یک پاشنه نمی‌چرخد

و تصور نکنیم شرایط امروز، قانون همیشگی زندگی است.

سختی‌ها هم قرار نیست تا ابد بمانند

روی دیگر این حکمت، امیددادن به انسانی است که در سختی قرار گرفته است. کسی که بیمار است، مشکلات اقتصادی دارد، شغلش را از دست داده، درگیر یک اختلاف خانوادگی است یا روزه‌های دشواری را می‌گذراند، نباید وضعیت امروز را تمام زندگی خود تصور کند. همان‌طور که شب جای خود را به روز می‌دهد و زمستان به بهار می‌رسد، بسیاری از سختی‌های زندگی نیز تغییر می‌کنند. البته صبر به معنای دست‌روی دست‌گذاشتن نیست؛ یعنی انسان در کنار تلاش، گرفتار ناامیدی و تصمیم‌های عجولانه نشود. گاهی یک تصمیم عجولانه در سخت‌ترین روز زندگی، می‌تواند خسارتی ایجاد کند که سال‌ها باقی بماند. صبر یعنی اجازه ندهیم یک فصل سخت، درباره تمام زندگی ما تصمیم بگیرد.

هنر انسان در هر دو روز است

امیرالمؤمنین^(ع) در تعبیری دیگر، دنیا را دارای روزهایی متفاوت معرفی می‌کند؛ روزی به سود انسان است و روزی علیه او. نکته مهم اینجاست که انسان باید در هر دو روز، خودش باقی بماند. اگر روزگار به کاممان بود، ظرفیت داشته باشیم و اگر سخت‌گرفت، صبر کنیم. پدر و مادری که امروز درآمد خوبی دارند، باید به فکر روزه‌های احتمالی سختی باشند. جوانی که امروز موقعیت اجتماعی خوبی دارد، نباید دیگران را تحقیر کند؛ چون هیچ‌کس نمی‌داند فردا در چه شرایطی خواهد بود. از طرف دیگر، کسی که امروز گرفتار است نیز نباید شخصیت خودش را با وضعیت اقتصادی یا

اجتماعی‌اش تعریف کند. شرایط زندگی تغییر می‌کند، آنچه باید ثابت بماند، ایمان، اخلاق و شخصیت انسان است.

سرمایه‌ای که از دست نمی‌رود

اگر قرار است به چیزی دل ببندیم، باید سراغ سرمایه‌هایی برویم که با تغییر شرایط دنیا از بین نمی‌روند. پول، زیبایی، قدرت، شهرت و حتی سلامت، همه در معرض تغییرند؛ اما ایمان، اخلاق، تجربه، دانش، محبت و ملکات انسانی می‌توانند در وجود انسان ماندگار شوند. شاید به همین دلیل است که انسان باید بیش از آنکه نگران حفظ ظاهر زندگی باشد، نگران ساختن درون خودش باشد. ممکن است روزی حساب بانکی کم شود، موقعیت شغلی از دست برود یا توان جسمی کاهش پیدا کند؛ اما اگر انسان در این مسیر صبر، سخاوت، توکل، دانایی و جوانمردی را در خودش ساخته باشد، سرمایه اصلی‌اش همچنان باقی است. هنر زندگی این نیست که همیشه در نعمت بمانیم؛ هنر این است که در نعمت و سختی، خودمان را نبازیم.

یک نسخه ساده برای روزهای خوب و بد

حکمت ۱۵۲ نهج‌البلاغه را می‌توان به یک دستور ساده برای زندگی تبدیل کرد؛ وقتی چیزی به دست آوردی، مغرور نشو؛ وقتی چیزی را از دست دادی، ناامید نشو. اگر روزگار به شما روی آورده است، شکر کنید و برای روزهای سخت آماده باشید. اگر روزگار پشت کرده است، تلاش کنید، صبر کنید و بدانید این وضعیت نیز می‌تواند تغییر کند. دنیا فراز و فرود دارد؛ نه شادی‌هایش دائمی است و نه سختی‌هایش. آنچه در این رفت‌وآمدها اهمیت دارد، انسانی است که از دل این فراز و فرودها ساخته می‌شود. پیام کلام امیرالمؤمنین^(ع) این است که، نعمت را فرصتی برای شر و خدمت بدانیم و سختی را فرصتی برای صبر و رشد؛ نه هیچ‌کدام را پایان راه بدانیم و نه هیچ‌کدام را تمام حقیقت زندگی.